

## استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ارائه الگوی تربیتی فاطمه صفاری<sup>۱</sup>، مریم براتعلی<sup>۲</sup>، سید ابراهیم میرشاه جعفری<sup>۳</sup> و سید هاشم گلستانی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ارائه الگوی تربیتی بوده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و از طریق روش استنتاجی با الگوی بازسازی شده فرانکنا (استنتاج اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی) انجام گرفته است. حوزه پژوهش شامل کتب نگاشته شده خواجه نصیر (اخلاق ناصری، اخلاق محتشمی و آداب متعلمین) و کتاب‌ها و مقالات و پژوهش‌ها و شرح‌های نوشته شده بر آثار خواجه نصیر بوده است. در این تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق از متون فوق، با استفاده از روش کدگذاری موضوعی ابتدا مفاهیم دسته‌بندی شد. سپس بر مبنای الگوی استنتاجی فرانکنا، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی استنتاج گردید. جهت بالابردن اطمینان‌پذیری و باورپذیری و به منظور اطمینان از نتایج حاصل، راه‌های دستیابی به نتایج مرتباً زیر نظر اساتید متخصص، مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش برخی از روش‌های تربیتی احسان از دیدگاه خواجه نصیر عبارتند از: کرم، ایثار، عفو، مروت، نجابت، مواسات و همدردی، سماحت و بزرگواری، مسامحه و گذشت، حیا، رفق و مدارا، سیره نیکو داشتن، مسالمت، سکون و آرامش، صبر، قناعت، وقار، تقوا و ورع، نظم و انتظام، حریت و آزادگی.

**کلید واژه‌ها:** احسان، روش‌های تعلیم و تربیت، خواجه نصیر، الگوی تربیتی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

<sup>۴</sup> استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

## ۱. مقدمه

در میان فضایل اخلاقی، احسان از ارزش والایی برخوردار است. خداوند در قرآن در آیات بسیاری توصیه به احسان نسبت به خود و احسان نسبت به دیگران نموده است. احسان از ریشه‌ی حُسن با کلماتی نظیر حُسن، حُسن و احسن در وصف اموری به کار می‌روند که به دلیل داشتن گونه‌ای از زیبایی عقلی، نفسانی و طبیعی انسان را به خود جذب می‌کنند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۴). احسان در لغت به معنی نیکی کردن است (قرشی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۷۸). احسان در اصطلاح آنست که فرد بیشتر از آنچه بر عهده دارد بدهد و کمتر از آنچه برای اوست بگیرد. (قرشی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۱۳۷).

احسان در قرآن از واژه‌های همنشین عدل است. امام علی(ع) در توصیف عدل و احسان می‌فرماید: «العدل الانصاف، و الاحسان التفضل» (عدل، انصاف دادن و ستم نکردن است و احسان جود و بخشش است) (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱، ۱۳۹۵، ص ۴۸۲). و فرمودند: «العدل رأس الإیمان و جماع الإحسان»؛ (عدالت، سر ایمان و گردآورنده نیکویی است) (امامی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۳۷؛ درایتی، ۱۳۶۶، ص ۵۷۸). و همچنین فرمودند: «فی العدل الاحسان» (در عدالت نیکویی کردن است) (درایتی، ۱۳۶۶، ص ۵۷۸). باقری (۱۳۹۲) معتقد است، احسان فراتر از عدل است زیرا عدل حول محور حق می‌گردد از این‌رو که دادن یا گرفتن حق مبتنی بر عدل است؛ اما احسان آن است که به کسی بیش از حق دهند یا کسی کمتر از آنچه حق اوست بستانند. احسان نیز همچون زیبایی بر انسان موثر است و در وی قدرشناسی و تواضع برمی‌انگیزد (باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). چنان‌که گفته‌اند «الإِنْسَانُ عَبِيدُ الإِحْسَانِ» (انسان بنده‌ی احسان است) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۲۶).

در تربیت الهی به روش احسان در مقابل اعمالی که انسان انجام می‌دهد پاداش خداوند از حد عدالت در می‌گذرد که در آن، بهترین اعمال فرد معیار قرار می‌گیرد، نه اعمال خوب او. این پاداش عادلانه نیست تا در برابر هر عملی به ازای همان مقرر شود بلکه میزان پاداش را بهترین اعمال فرد معین می‌کند که اولاً حد بالا معیار باشد نه حد پایین و ثانیاً نقایص نادیده گرفته شود و عمل حسن همچون احسن به حساب آورده شود و پاداشی که به آن تعلق می‌گیرد فراتر از میزان آن و بنابراین بالاحساب باشد (باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱).

«لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (النور/۳۸) تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزاء و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آن‌ها بیفزاید، و خدا هر که را خواهد روزی بی‌حد و حساب بخشد.

استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۷۱ □

هنگامی که انسان نیکی کند با احسان الهی اعمال نیک انسان به چندین برابر پاداش داده می‌شود و هنگامی که بدی کند بر اساس عدالت الهی به همان اندازه کیفر می‌شود. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (الانعام/۱۶۰) (هرکه نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هرکه بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد).

حیدری و موسوی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن» به بیان حس انسان دوستی از منظر دین اسلام پرداخته، خاستگاه محبت در انسان، حدود و ثغور انسان دوستی در اسلام و انگیزه‌های حقیقی و غیر حقیقی انسان دوستی از منظر اسلام را با استناد به آیات قرآن و روایات شیعی مورد بررسی قرار داده‌اند و با بررسی ارتباط محبت و عوامل آن نتیجه می‌گیرند که هر چه ایمان بیشتر باشد طهارت و پرهیزکاری، احسان و انفاق، عدل و قسط، توکل و صبر انسان بیشتر است و در حقیقت تقویت هر کدام از این صفات باعث تقویت رابطه محبت می‌گردد.

پرداختن به معارف اسلامی و توصیف فضایل اخلاقی از دیرباز مدنظر نویسندگان و اندیشمندان اسلامی بوده است خواجه نصیر الدین طوسی فیلسوف قرن هفتم یکی از این اندیشمندان مسلمان است که با تبیین معارف اسلامی سعی در تربیت افراد جامعه دارد پژوهشگر در پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌مندی از کتب اخلاقی این دانشمند مسلمان به تبیین ابعاد و محورهای احسان بپردازد و با دست‌یابی به اهداف و مبانی تعلیم و تربیت بر اساس احسان به اصول تربیتی دست یابد و با توجه به این اصول تربیتی، روش‌های تعلیم و تربیت را استخراج نماید. تا خوانندگان بتوانند ابعاد و محورهای احسان را از دیدگاه خواجه نصیر بشناسند و با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی احسان در تعلیم و تربیت، به تربیت افراد پرداخته و در نهایت خیر و صلاح جامعه فراهم گردد.

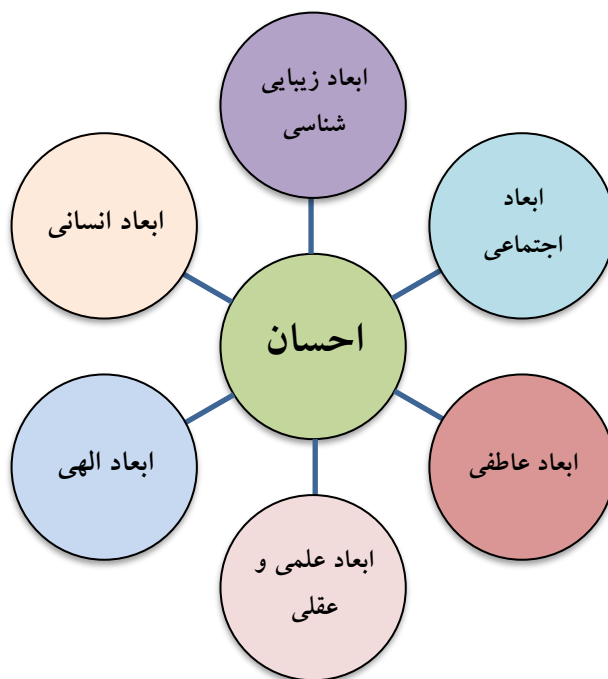
## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر، با روش استنتاجی یا قیاسی و با استفاده از الگوی بازسازی شده فرانکنا صورت گرفته است. مراحل اجرایی الگو که در این پژوهش به کار رفته‌اند به ترتیب عبارتند از:

- ۱- بیان بایدهای آغازین
- ۲- بیان گزاره‌های واقع‌نگر
- ۳- استخراج اهداف بنیادی هنجارین
- ۴- استخراج اهداف میانی، گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی
- ۵- استخراج اصول

### ۳. یافته‌های پژوهش

خواجه نصیرالدین معتقد است که فضیلت دارای چهار قسم است حکمت، عدالت، شجاعت و عفت: فضایل چهار بود: اول- از تهذیب قوت نظری و آن حکمت بود. دوم- از تهذیب قوت عملی و آن عدالت بود. سوم- از تهذیب قوت غضبی و آن شجاعت بود. چهارم- از تهذیب قوت شهوی و آن عفت بود (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۷۲). و با تعابیری که از عفت بیان نموده می‌توان به احسان پی‌برد از بیانات وی می‌توان احسان را در سه حوزه مورد بررسی قرار داد: ۱- احسان در برابر خداوند، ۲- احسان در برابر خود و ۳- احسان در برابر دیگران. همچنین با همدسته کردن مفاهیم احسان از دیدگاه خواجه نصیر ابعاد احسان را می‌توان بدین گونه بیان نمود: بعد زیبایی‌شناسی، بعد انسانی، بعد الهی، بعد علمی و عقلی، بعد عاطفی و بعد اجتماعی. بر این اساس ارتباط اشراقی میان ابعاد احسان را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود.



شکل ۱- ابعاد احسان از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی

#### ۴. بعد زیبایی شناسی

مینا: عفت از اجزاء احسان است. سخاوت از اجزاء عفت است. سخاوت از صفات الهی است و سخاوت جمیل و زیبا است.

هدف: برای شبیه بودن به آفریدگار باید سخاوت داشت. تا با سخاوت به دیگران مورد لطف و رحمت الهی قرار بگیرد.

اصل: مسلمان باید با سخاوت داشته باشد و با سخاوت به دیگران فراوان نیکی نماید. یکی از فضایل که خواجه آن را برمی‌شمرد عفت است: «و اما انواعی که در تحت جنس عفت است دوازده است: اول - حیا دوم - رفق سوم - حسن هدی چهارم - مسالمت پنجم - دعت ششم - صبر هفتم - قناعت هشتم - وقار نهم - ورع دهم - انتظام یازدهم - حریت دوازدهم - سخا» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۷۷). و سخاوت را صفت الهی دانسته و معتقد است برای شبیه بودن به آفریدگار باید سخاوت داشت: «و لیکن سخی به حقیقت آن کس بود که بذل مال را به غرضی دیگر جز آن که سخاوت، لذاتها جمیل است مشوب نگرداند و اگر نظر او بر نفع غیر افتد بالعرض و به قصد ثانی بود تا به علت اولی که جواد محض است تشبه نموده باشد و کمال حقیقی حاصل کرده» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۸۹). و تحت جنس سخاوت را هشت قسم بیان می‌کند: «و اما سخا - آن بود که انفاق اموال و دیگر مقتنیات بر او سهل و آسان بود تا چنان که باید و چندان که شاید به مصب استحقاق رساند.

و سخا نوعی است که در تحت او انواع بسیار است، و تفصیل بعضی از آن اینست: اما انواع فضایل که در تحت جنس سخاوت هشت است: اول - کرم دوم - ایثار سوم - عفو چهارم - مروت پنجم - نیل ششم - موااسات هفتم - سماحت هشتم - مسامحت. اما کرم - آن بود که بر نفس سهل نماید انفاق مال بسیار در اموری که نفع آن عام باشد و قدرش بزرگ بود بر وجهی که مصلحت اقتضا کند. و اما ایثار - آن بود که بر نفس آسان باشد از سر مایحتاجی که به خاصه او تعلق داشته باشد برخاستن و بذل کردن در وجه کسی که استحقاق آن او را ثابت بود. و اما عفو - آن بود که بر نفس آسان بود ترک مجازات بیدی یا طلب مکافات به نیکی با حصول تمکن از آن و قدرت بر آن. و اما مروت - آن بود که نفس را رغبتی صادق بود بر تحلی به زینت افادت و بذل مالابد یا زیاده بر آن. و اما نیل - آن بود که ابتهاج نماید به ملازمت افعال پسندیده و مداومت سیرت ستوده. و اما موااسات - معاونت یاران و دوستان و مستحقان بود در معیشت و شرکت دادن ایشان را با خود در قوت و مال. و اما سماحت - بذل کردن بعضی باشد به دلخوشی از چیزهائی که واجب نبود بذل آن. و اما مسامحت - ترک گرفتن بعضی بود از چیزهائی که واجب نبود ترک آن از طریق اختیار.» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۷۷ - ۷۹).

روش‌های تربیتی: ۱- کرم نمودن، ۲- ایثار کردن، ۳- عفو کردن، ۴- مروت داشتن، ۵- نجابت داشتن، ۶- مواسات و همدردی نمودن، ۷- سماحت و بزرگواری داشتن، ۸- مسامحه و گذشت داشتن.

## ۵. بعد انسانی

مینا: عفت از اجزاء احسان است. احسان فضیلت خواهی در عفت است. عفت فضیلت است. حفظ عفت عامل رسیدن انسان به کمال است. افراط در عفت به احتیاط نزدیکتر است. هدف: انسان باید با رعایت اعمال نیک و پسندیده و با حفظ عفت و فضیلت خواهی و افراط در عفت به کمالات انسانی و رضای الهی دست یابد. اصل: انسان باید با حفظ عفت و مبادرت به اعمال نیک و پسندیده برای دستیابی به کمالات انسانی و کسب رضای الهی تلاش نماید.

روش‌های تربیتی: ۱- حیا داشتن، ۲- رفق و مدارا نمودن، ۳- سیره نیکو داشتن، ۴- مسالمت نمودن، ۵- سکون و آرامش داشتن، ۶- صبر نمودن، ۷- قناعت داشتن، ۸- وقار داشتن، ۹- تقوا و ورع داشتن، ۱۰- نظم و انتظام داشتن، ۱۱- حریت و آزادی داشتن.

خواجه احسان را فضیلت خواهی در عدالت بیان می‌کند و می‌نویسد: «تفضل احتیاط بود در عدالت تا از وقوع نقصان ایمن شود و توسط فضایل بر یک منوال نتواند بود چه سخاوت با آنکه وسط است میان اسراف و بخل زیادت در او به احتیاط نزدیکتر از نقصان است و عفت با آنکه وسط است میان شره و خمود نقصان در او به احتیاط نزدیکتر از زیادت و تفضل صورت نبندد مگر بعد از رعایت شرایط عدالت که اول آن چه استحقاق واجب کند ادا کرده باشد پس زیادت نیز احتیاط را به آن اضافه کند و اگر به مثل همه مال به نامستحق دهد و مستحق را ضایع گذارد متفضل نبود بلکه متبذر بود چه اهمال عدالت کرده است.

پس معلوم شد که تفضل عدالت است در زیادت و متفضل عادل است محتاط در عدالت و سیرت او آن بود که در نافع خود را کمتر دهد و دیگران را بیشتر و در ضار خود را بیشتر دهد و دیگران را کمتر به ضد جور و معلوم شد که تفضل از عدالت شریفتر است از آن جهت که مبالغه است در عدالت نه از آن جهت که خارجست از عدالت و اشاره صاحب ناموس به عدالت اشارتی کلی بود نه جزوی چه عدالت که مساواتست گاه بود که در جوهر بود و گاه بود که در کم بود و گاه بود که در کیف بود و همچنین در دیگر معقولات و بیانش آنست که آب و هوا متکافی‌اند در کیفیت نه در کمیت که اگر در کمیت متکافی بودندی مساحت هردو متساوی بودی و در کیفیت تفاضل افتادی پس به کیفیت فاضل بر مفضول غالب بودی و مفضول فاسد شدی و همچنین در آتش و هوا اگر عناصر

استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۷۵ □

متکافی نبودندی و افنا و افساد یکدیگر توانستندی عالم نیست شدی در کمترین مدتی و لیکن باری عز و علا به فضل و عنایت خویش چنان تقدیر کرده است که هر چهار در قوت و کیفیت متکافی و متساوی افتاده‌اند تا یکدیگر را به کلی افنا نتوانند کرد و لیکن جزوی را که برطرف افتد جزوی که بر او محیط شود افناء کند تا انواع حکمت پیدا گردد» (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۱۱۱-۱۱۰). و آن‌چنان که بیان شد خواجه عفت را از زیر مجموعه‌های احسان دانسته و برای آن دوازده جنس می‌آورد که برخی از آنها به بعد انسانی احسان مرتبطند که به آن اشاره می‌شود: «اما حیا انحصار نفس باشد در وقت استشعار از ارتکاب قبیح به جهت احتراز از استحقاق مذمت. و اما رفق - انقیاد نفس بود اموری را که حادث شود از طریق تبرع و آن‌را دماثت نیز خوانند. و اما حسن هدی - آن بود که نفس را به تکمیل خویش به حیلتهای پسندیده و ستوده رغبتی صادق حادث شود. و اما مسالمت - آن بود که نفس مجاملت نماید در وقت تنازع آرای مختلفه و احوال متباینه از سر قدرت و ملکه که اضطراب را بدان تطرق نبود. و اما دعت - آن بود که نفس ساکن باشد در وقت حرکت شهوت و مالک زمام خویش بود. و اما صبر - آن بود که نفس مقاومت کند با هوی تا مطاوعت لذات قبیحه از او صادر نشود. و اما قناعت - آن بود که نفس آسان فراگیرد امور مآکل و مشارب و ملابس و غیر آن‌را و رضا دهد بر آن‌چه سد خللی کند از هر جنس که اتفاق افتد. و اما وقار - آن بود که نفس در وقتی که منبعث باشد به سوی مطالب آرام نماید تا از شتاب‌زدگی مجاوزت حد از او صادر نشود، به شرط آنکه مطلوب فوت نکند. و اما ورع - آن بود که نفس ملازمت نماید بر اعمال نیکو و افعال پسندیده و قصور و فتور را بدان راه ندهد. و اما انتظام - آن بود که نفس را تقدیر و ترتیب امور بوجه و وجوب و حسب مصالح نگهداشتن ملکه شود. و اما حریت - آن بود که نفس متمکن شود بر اکتساب مال از وجوه مکاسب جمیله و صرف آن در وجوه مصارف محموده و امتناع نماید از اکتساب مال به وجوه مکاسب ذمیمه.» (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۷۷-۷۸).

## ۶. بعد الهی

مینا: محبت به خالق عامل ایمان است. احسان در قدرشناسی از نعمت است. شکر اعتراف به نعمت منعم است. بخشش و پاداش خداوند به بندگان بیش از استحقاق است.

هدف: انسان باید با معرفت به انعام متواتر و وجوه احسان متوالی نسبت به خالق محبت پیدا نماید. محبت مخلوق به خداوند باید محبتی منزله از همه شوائب و آلودگیها باشد.

اصل: مسلمان باید با معرفت به انعام متواتر و وجوه احسان متوالی نسبت به خالق به او ایمان بیاورد و سپاسگزار نعمت‌های الهی باشد.

خواجه معتقد است در برابر نعمت باید سپاسگزار بود: «ای پسر! چون منعمی در حق تو احسانی کرده باشد، و حق اصطناع و تربیت او در ذمه تو متوجه گشته کفران جایز مدار» (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۵۴۵).

و این سپاسگزاری با برشمردن نعمات امکان‌پذیر است: «الشکر هو الثناء علی المحسن بذکر احسانه؛ شکر اعتراف به نعمت منعم باشد بر وجه خضوع. و بهری گفتند: ثنای محسن بود به ذکر احسان او، و نشر نعمت او. و بعضی گفتند: شکر آنست که خود را مستحق نعمت نشمری، که اگر نعمت حق خود دانی ناسپاسی باشد» (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳). خواجه معتقد است که باید خداوند را شکر گفت از باب نعماتی که به ما از سر لطف و احسان عطا نموده است: «پس او را تمجید کنند نه مدح و چون سعادت از قبیل خیر است چه امری الهی است سزاوار تمجید بود و از مدح منزه و مردم را به سعادت یا به صفتی که مؤدی به سعادت بود مدح توان گفت چنان‌که به عدالت که مقتضی سعادت بود مدح گویند» (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۶۳).

خواجه محبت به خالق را در مرتبه اولی قرار می‌دهد و محبت مخلوق را در اطاعت و عبودیت خالق می‌داند: «و محبتی که از شایبه انفعالات و کدورات و آفات منزه بود، محبت مخلوق بود خالق را. و این محبت جز عالم ربانی را نتواند بود.

و دعاوی غیر او به بطلان و تمویه موصوف باشد، چه محبت بر معرفت موقوف بود و محبت کسی که بدو عارف نباشد و بر ضروب انعام متواتر و وجوه احسان متوالی او که به نفس و بدن می‌رسد واقف نه، چگونه صورت بندد بلی تواند بود که در توهم خود نیز نصب کنند و او را خالق و معبود خود شناسند پس به محبت و طاعت او مشغول شوند و او را محض توحید و مجرد ایمان شمرند حاشا و کلا. «و ما یؤمن اَکْثَرُهُمْ بِاللَّهِ اِلَّا وَ هُمْ مُشْرِکُونَ» (یوسف/۱۰۶) و مدعیان این محبت بسیارند و لیکن محققان ایشان سخت اندک بلکه از اندک اندک‌تر، و طاعت و تعظیم از این محبت حقیقی مفارقت نکند. «وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِ الشَّکُورِ» (السبأ/۱۳) « (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۲۲۹-۲۲۸). و شکرگزاری و عبادت را بدین نحو توصیف می‌نماید: «و گروهی گفته‌اند که آنچه خدای عزوجل را بر خلق واجب است یک چیز معین نیست که آن را ملتزم شوند و بر یک نوع و مثال نیست بلکه به حسب طبقات و مراتب مردمان در علوم مختلف است. و طبقه از متأخر حکماء گفته‌اند که عبادت خدای تعالی در سه نوع محصور تواند بود. اول: آنچه تعلق به ابدان دارد مانند صلوة و صیام و وقوف به موافق شریفه از جهت دعا و مناجات. دوم: آنچه تعلق به نفوس دارد مانند اعتقادات صحیح چون توحید و تمجید حق تعالی و تفکر در کیفیت افاضه وجود و حکمت او بر عالم و آنچه از این باب بود. سوم: آنچه واجب شود در مشارکات خلق مانند انصاف در معاملات و مضارعات و مناکحات و ادای



استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... □۷۷

امانات و نصیحت ابنای جنس و جهاد با اعدای دین و حمایت حریم. و از ایشان گروهی که به اهل تحقیق نزدیک‌ترند گفته‌اند که عبادت خدای تعالی سه چیز است: اول اعتقاد حق دوم قول صواب سوم عمل صالح و تفصیل هر یک در هروقت و زمانی و به هر اضافتی و اعتباری بر وجهی دیگر بود». (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۱۰۶-۱۰۷).

روش‌های تربیتی: ۱- شکرگزاری کردن، ۲- عبادت کردن.

## ۷. بعد علمی و عقلی

مبنا: احسان کاریست علم در عمل است. مهربانی از الزامات معلمی است. استفاده از علم برای رفتار شایسته از ویژگی‌های معلم عالم است.

هدف: معلم باید ناصح و پند دهنده باشد و رشک و حسد نداشته باشد. معلم باید وقت را به درستی تقسیم نماید. و به درستی از وقت استفاده کند.

اصل: معلم باید عالم به امور باشد و وقت را به درستی تنظیم نماید و نسبت به شاگردان ناصح و پند دهنده باشد.

اما کسانی که احسان می‌کنند از نظر خواجه علم و عمل را توأمان در آمیخته‌اند: «مقام اهل احسان که ایشان را محسنان گویند؛ و آن مرتبه‌ی کسانی بود که با کمال علم به حلیت عمل متحلی باشند و به فضایی که برشمردیم موصوف؛» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۴۲).

خواجه در بیان لزوم مهربانی و نصیحت‌گر بودن معلم نسبت به متری می‌نویسد: «شایسته و سزاوار است صاحب علم مهربان، ناصح و پند دهنده بوده و از حسد و رشک بردن بر حذر باشد و با احدی در مقام منازعه و مخاصمه بر نیاید زیرا این امر اوقات شریف را تباه و تضییع می‌کند و در قبال آن محسن به زودی به واسطه احسانش ماجور واقع شده و مسی و بد رفتار عنقریب گرفتار زشتی اعمال و رفتارش خواهد شد» (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۰، ص ۳۹). خواجه می‌گوید متعلم باید از وقت خود بیشترین بهره را ببرد: «پس شایسته است طالب علم وقت و ساعات خود را تباه نکند» (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۰، ص ۴۳). و لذا معلم نیز باید در تقسیم وقت دقت نماید.

روش‌های تربیتی: ۱- نصیحت کردن، ۲- پند دادن، ۳- اندرز دادن، ۴- تغافل نمودن، ۵- تذکر دادن، ۶- تقسیم نمودن وقت.

## ۸. بعد عاطفی

مبنا: انسان فطرتاً نیازمند محبت است. محبت سبب اصلاح امور است. محبت دارای مراتب است. محبت به خالق در راس همه محبت‌ها و سپس محبت به والدین و معلم قرار دارد. نظام کائنات در محبت به یکدیگر است. انسان ذاتاً دوست‌دار هم‌نوع خود است.

هدف: در ارتباطات اجتماعی انسان‌ها باید با یکدیگر با محبت رفتار نمایند تا اجتماع دوام و ثبات داشته باشد.

اصل: مسلمان باید به افراد صاحب حق محبت نماید. محبت انسان‌ها به یکدیگر سبب تشکیل اجتماعات انسانی و دوام جامعه می‌گردد.

خواجه محبت را بر عدالت برتری می‌دهد و می‌نویسد: «اشارتی کرده‌ایم به تفضیل محبت بر عدالت و علت در این معنی آنست که عدالت مقتضی اتحادیست صناعی، و محبت مقتضی اتحادی طبیعی. و نسبت صناعی با طبیعی مانند قشری باشد و صناعت مقتدی بود به طبیعت پس معلوم شد که احتیاج به عدالت که اکمل فضایل انسانی است در محافظت نظام نوع از جهت فقدان محبت است. چه اگر محبت میان اشخاص حاصل بودی به انصاف و انتصاف احتیاج نیفتادی، و از روی لغت خود انصاف که مشتق از نصف بود یعنی منصف متنازع فیه را با صاحب خود مناصف کند و تنصیف از لواحق تکثر باشد و محبت از اسباب اتحاد، پس بدین وجوه فضیلت محبت بر عدالت معلوم شد» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۷). از منظر خواجه محبت به والدین پس از محبت به خالق قرار دارد: «و محبت والدین در مرتبه ثانی این محبت باشد و هیچ محبت دیگر در مرتبه بدین دو محبت نرسد، الا به محبت معلم نزدیک معلم، چه این محبت متوسط بود در مرتبه میان این دو محبت مذکور، و علت آن است که محبت اول اگرچه در نهایت شرف و جلالت بود، به جهت آن که محبوب سبب وجود نعمتی است که تابع وجود بود، و محبت دوم به آن مناسبتی دارد که پدر سبب محسوس و علت قریب باشد و لیکن معلمان که در تربیت نفوس به مثابه پدرانند در تربیت اجسام به وجهی که متمم وجود و مبقی ذوات به سبب اول مقتدی‌اند، و به وجهی که تربیت ایشان فرع است بر اصل وجود به پدران مشبه پس محبت ایشان دون محبت اول بود و فوق محبت دوم. چه تربیت ایشان بر اصل وجود متفرع است، و از تربیت آباء شریف‌تر و به حقیقت معلم ربی جسمانی و ابی روحانی بود، و مرتبه او در تعظیم دون مرتبه علت اولی و فوق مرتبه آباء بشری بود» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۹). لذا احسان به والدین به سبب این که صاحب حق هستند لازم است و چون معلم نیز به سبب عهده‌دار بودن امر تربیت صاحب حق است پس باید به او نیز احسان نمود.

خواجه محبت را فطری آدمی دانسته و برای محبت مراتب قائل است: «و چون جوهری که در انسان مستودع است از کدورات طبیعت پاک شود و محبت انواع شهوات و کرامات از او منتفی گردد او را به شبیه خود شوقی صادق حادث شود و به نظر به صیرت به مطالعه جلال خیر محض که منبع خیرات آن است مشغول گردد و انوار آن حضرت بر او فایض شود. پس او را لذتی که آن را به هیچ لذت نسبت نتوان داد حاصل آید و به درجه اتحاد مذکور رسد و در استعمال طبیعت بدنی و ترک آن او را تفاوتی زیاده نبود، الا آن که بعد از مفارقت کلی بدان رتبه عالی سزاوارتر باشد، چه صفای تام جز بعد

استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۷۹ □

از مفارقت حیات فانی نتواند بود. و از فضایل این نوع محبت یعنی محبت اهل خیر با یکدیگر یکی آن است که نه نقصان را بدو تطرق تواند بود و نه سعایت را در او تأثیری صورت افتد و نه ملامت را در نوع او مجال مداخلتی باشد و نه اشرار را در آن حظی و نصیبی بود. و اما محبتی که از جهت منفعت یا لذت افتد، اشرار را هم با اشرار و هم با اخیار تواند بود، الا آن که سریع الانقضاء و الانحلال باشد، از جهت آنکه نافع و لذیذ مطلوب بالعرض باشد نه بالذات، و بسیار بود که مستدعی آن محبتها جمعیتی باشد که میان اصحاب آن محبتها اتفاق افتد در مواضعی غریب مانند کشتی و سفرها و غیر آن و سبب در آن مؤانستی بود که در طبیعت مردم مرکوز است. و خود مردم را انسان از آن جهت گفته‌اند چنانکه در صناعت ادب مقرر شده است. و کسی که گفته است: «و سمیت انسانا لانک لانس» گمان برده است که انسان مشتق از نسیان است و در این گمان مخطی بوده است، و چون انس طبیعی از خواص مردمست و کمال هر چیزی در اظهار خاصیت خود بود چنان که به چند موضع تکرار کردیم. پس کمال این نوع نیز در اظهار این خاصیت بود با بنای نوع خود، چه این خاصیت خود مبدء محبتی است که مستدعی تمدن و تآلف باشد و با آن که حکمت حقیقی اقتضای شرف این خاصیت میکند شرایع و آداب محمود نیز به آن دعوت کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۲۲۳-۲۲۲).

خواجه بیان می‌کند احسان نمودن با یکدیگر سبب برقراری ارتباطات صمیمانه می‌شود: «و از این سبب بر اجتماع مردم در عبادات و ضیافات تحریص فرموده‌اند. چه به جمعیت آن انس از قوه به فعل آید. و یمنکن که شریعت اسلام نماز جماعت را بر نماز تنها تفضیل به این علت نهاده باشد که تا چون در روزی پنج بار مردمان در یک موضع مجتمع شوند با یکدیگر مستأنس گردند و اشتراک ایشان در عبادات و دیگر معاملات سبب تأکید آن استیناس شود، و باشد که از درجه انس به درجه محبت رسد» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۳).

خواجه معتقد است برقراری ارتباط اجتماعی و پایداری اجتماع و گسترش روابط اجتماعی سالم منوط به احسان در بین افراد جامعه است. «و اهل مدینه فاضله اگرچه مختلف باشند در اقاصی عالم به حقیقت متفق باشند چه دل‌های ایشان با یکدیگر راست بود و به محبت یکدیگر متحلی باشند و مانند یک شخص باشند در تالف و تودد چنان که شارع علیه السلام گوید: المسلمون ید واحده علی من سواهم و المؤمنون کنفس واحده» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۹).

روش‌های تربیتی: ۱- محبت نمودن به والدین، ۲- محبت نمودن به معلم، ۳- نیکی نمودن به افراد صاحب حق، ۴- احترام و تکریم نمودن افراد صاحب حق، ۵- برقرار نمودن روابط اجتماعی سالم.

## ۹. بعد اجتماعی

مینا: احسان سبب برتری افراد است. احسان در خیر رساندن به دیگران بیش از استحقاق است. احسان خیر رساندن قدرتمند به زیردست است. احسان در مقام قدرت پسندیده است. هف: احسان را باید به جا و مناسب به کار برد. احسان باید با حفظ هیبت و جبروت باشد تا منجر به ناسپاسی و زیاده‌خواهی نگردد. باید در مقابل احسان سپاسگزار بود. اصل: انسان در مقام قدرت باید با حفظ هیبت و جبروت به دیگران خیر برساند به نحوی که منجر به ناسپاسی و زیاده‌خواهی نگردد.

خواجه نصیر معتقد است در مدینه باید عدالت اجتماعی حاکم شود و نسبت به زیردستان باید احسان نمود: «و چون از قوانین عدالت فارغ گردد احسان کند به رعایا که بعد از عدل هیچ فضیلت در امور ملک بزرگتر از احسان نبود و اصل در احسان آن بود که خیراتی که ممکن بود زیاده بر مقدار واجب بر ایشان رساند به قدر استحقاق، و باید که مقارن هیبت بود. چه فروبهای ملک از هیبت باشد و استمالت دلها به احسانی حاصل آید که بعد از هیبت استعمال کند و احسان بی‌هیبت موجب بطر (ناسپاسی کردن) زیردستان و تجاسر ایشان و زیادتی حرص و طمع گردد و چون طامع و حریص شوند اگر همه ملک به یک‌تن دهد راضی نگردد» (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۲۶۶-۲۶۵). در احسان باید از کسی که در مقام و مرتبه بالاتر قرار دارد به کسانی که در رتبه از او پایین‌تر هستند احسان نماید چراکه این نوع احسان سبب برقراری عدالت اجتماعی می‌گردد.

روش‌های تربیتی: ۱- نیکوکاری کردن، ۲- بخشش نمودن بیش از استحقاق، ۳- عفو و بخشش نمودن در مقام قدرت.

## ۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های بنیادین در زمینه احسان از دیدگاه خواجه نصیر استخراج گردید و از ترکیب این گزاره‌ها با یکدیگر اصول احسان مشخص شد سپس با نظر به مبانی و اصول روش‌های تربیتی احسان بدست آمد که نتایج حاصل در جدول زیر بیان شده است.

جدول (۱) ابعاد، مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیتی احسان از دیدگاه خواجه نصیر

ابعاد	مبانی احسان	اهداف احسان	اصول احسان	روش‌های احسان
زیبایی شناسی	نیکی فراوان به دیگران	پرورش صفات الهی در انسان	سخاوت	۱- کرم، ۲- ایثار، ۳- عفو، ۴- مروت، ۵- نجابت، ۶- موااسات و همدردی، ۷- سماحت و بزرگواری، ۸- مسامحه و گذشت.

استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۸۱ □

ابعاد	مبانی احسان	اهداف احسان	اصول احسان	روش‌های احسان
انسانی	احسان در فضیلت خواهی در عفت	رسیدن به کمالات انسانی	فضیلت خواهی در عفت	۱- حیا، ۲- رفق و مدارا، ۳- سیره نیکو داشتن، ۴- مسالمت، ۵- سکون و آرامش، ۶- صبر، ۷- قناعت، ۸- وقار، ۹- تقوا و ورع، ۱۰- نظم و انتظام، ۱۱- حریت و آزادگی
الهی	محبت به خالق عامل ایمان	معرفت به انعام متواتر و وجوه احسان متوالی	ایمان به خدا	۱- شکرگزاری، ۲- عبادت
علمی و عقلی	آموزش به شاگردان	معلم عالم و ناصح و پند دهنده	علم آموزی	۱- نصیحت، ۲- پند، ۳- اندرز، ۴- تغافل، ۵- تذکر، ۶- تقسیم وقت
عاطفی	دوام ارتباطات اجتماعی	شناخت مراتب محبت	محبت	۱- محبت به والدین، ۲- محبت به معلم، ۳- نیکی به افراد صاحب حق، ۴- احترام و تکریم افراد صاحب حق، ۵- برقراری روابط اجتماعی سالم
اجتماعی	احسان در مقام قدرت پسندیده	کاربرد به جا و مناسب احسان و سپاسگزاری و قدردانی در برابر احسان	بخشش بیش از استحقاق	۱- نیکوکاری، ۲- بخشش بیش از استحقاق، ۳- عفو و بخشش در مقام قدرت

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش در زمینه روش‌های تربیتی احسان از دیدگاه خواجه نصیر می‌توان نتایج زیر را بیان نمود:

- ۱- روش‌های کرم، ایثار، عفو، مروت، نجابت، مواسات و همدردی، سماحت و بزرگواری، مسامحه و گذشت: با بررسی دیدگاه‌های خواجه در زمینه احسان در بعد زیبایی‌شناسی می‌توان به اصل سخاوت دست یافت. روش‌های حاصل از این اصل همه بر اساس نیکی و نیکویی فراوان به دیگران است. این روش‌ها منجر به جذب افراد و ایجاد پیوند دوستی بین افراد می‌گردد.
- ۲- روش‌های حیا، رفق و مدارا، سیره نیکو داشتن، مسالمت، سکون و آرامش، صبر، قناعت، وقار، تقوا و ورع، نظم و انتظام، حریت و آزادگی: توجه به روش‌های بعد انسانی و کاربست آن سبب اتصاف انسان به کمالات انسانی می‌گردد. این روش‌ها نوعی خودسازی و تربیت نفس است و عامل شکل‌گیری شخصیت انسان است. کلیه این روش‌ها از روش‌های تربیتی دین اسلام است. خداوند در

قرآن می‌فرماید: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...» (النحل/۱۲۷) این آیه بیان می‌کند که باید در راه خدا و برای خدا صبر پیشه کرد. در جایی دیگر نیز فرمودند از صبر و نماز کمک بجوئید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (البقره/۱۵۳؛ البقره/۴۵). امام علی(ع) فرمودند: «لَا شَرَفَ أَعْلَىٰ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَلَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَىٰ، وَلَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ، ... وَلَا كَنْزَ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ» (هیچ شرافتی، برتر از اسلام نیست و هیچ عزتی، گرامی‌تر از تقوا نیست و هیچ پناهگاهی، نیکوتر از پارسایی نیست و ... و هیچ گنجی، بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست.) (دستی، ۱۳۹۵، ص ۵۱۳).

۳- روش‌های شکرگزاری و عبادت: روش شکرگزاری بیان می‌کند که انسان باید در برابر نعمت‌های الهی شکرگزار باشد، عبادت خود یکی از راه‌های شکرگزاری و سپاس‌گزاری از خداوند در برابر نعمات بیکران اوست. انسان باید بداند که آن‌چه خداوند به او داده از روی بخشش و محبت الهی است نه از جهت استحقاق وی لذا کاربست این روش‌ها سبب دریافت این امر می‌شود.

۴- روش‌های نصیحت، پند، اندرز، تغافل، تذکر و تقسیم وقت: کاربست این روش‌ها در تدریس منجر به کسب علم و نهادینه شدن علوم آموخته شده می‌گردد. روش‌های نصیحت، پند و اندرز خیرخواهانه و دلسوزانه است و لذا متعلم را به یادگیری علوم ترغیب می‌نماید. روش تغافل منجر می‌شود که فرد فرصت جبران اشتباه را داشته باشد. روش تذکر به یادآوری و آموختن علم و نهادینه شدن آموخته‌های قبلی کمک می‌کند. روش تقسیم وقت کمک می‌نماید معلم و متعلم از وقت نهایت استفاده را بنمایند و یادگیری در نهایت امکان صورت پذیرد.

۵- روش‌های محبت به والدین، محبت به معلم، نیکی به افراد صاحب حق، احترام و تکریم افراد صاحب حق و برقراری روابط اجتماعی سالم: کاربست این روش‌ها محبت و نیکی را در افراد و در روابط اجتماعی افزایش می‌دهد و منجر به تثبیت روابط اجتماعی و دوام آن می‌گردد.

۶- روش‌های نیکوکاری، بخشش بیش از استحقاق، عفو و بخشش در مقام قدرت: انسان باید دریابد که آن‌چه به سبب عفو و بخشش و نیکوکاری دیگران در حق او به وی می‌رسد بیش از استحقاق اوست. کاربست این روش‌ها سبب برقراری ارتباط صمیمانه در روابط بین افراد اجتماع می‌گردد و اجتماع را دوام و قوام می‌بخشد.

چیزی که در باب احسان از دیدگاه خواجه باید مد نظر قرار داد این است که خواجه احسان را در مرحله اول در شکرگذاری از نعمت‌ها می‌داند و می‌نویسد: «شکر آن است که خود را مستحق نعمت نشمری، که اگر نعمت حق خود دانی ناسپاسی باشد» (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳). وی احسان را در مرتبه بالاتر از عدل می‌داند و بر اساس نظرات خواجه می‌توان گفت هر احسان کننده‌ای، عادل است

استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۸۳ □

ولی نمی‌توان گفت هر عادل، احسان کننده نیز هست. خواجه برای احسان مراتب قائل است و احسان الهی را در رأس قرار داده و آن را در شکرگزاری از نعمت می‌داند و سپس احسان به پدر و مادر و احسان به معلم و در ادامه احسان به سایر افراد اجتماع را قرار می‌دهد.

خواجه احسان را مبالغه کردن در فضیلت دانسته در جهت مثبت فضایل و چون عدالت رعایت حد وسط است، احسان از حد وسط فراتر می‌رود و به سمت افضل‌تر میل می‌کند لذا خواجه احسان را از نظر رتبه بالاتر و برتر از عدالت می‌داند می‌نویسد: «قوام موجودات و نظام کاینات به محبت است و اضطراب مردم به اقتنای فضیلت عدالت از جهت فوات شرف محبت چه اگر اهل معاملات به محبت یکدیگر موسوم باشند انصاف یکدیگر بدهند و خلاف مرتفع شود و نظام حاصل آید و چون این بحث به حکمت مدنی و منزلی لایقتر است در شرح امر محبت توقف اولی‌تر» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۳).

حیدری و موسوی (۱۳۸۹) معتقدند که انسان از نظر روحی و روانی نیازمند است که «او را دوست بدارند و او نیز دیگران را دوست بدارد» و این نیاز را در مقوله محبت مورد بررسی قرار داده‌اند و خداوند را سرمنشاء حقیقی محبت می‌دانند که این محبت را به انسان نیز منتقل نموده است. و محبت را عامل توکل، صبر، ایمان، طهارت و پرهیزکاری، عدل و قسط، احسان و انفاق دانسته‌اند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حاضر در بعد عاطفی احسان همخوانی دارد.

پورحسن (۱۳۸۵) در پژوهشی در زمینه «بررسی تأملات خواجه نصیر الدین طوسی در دانش اخلاق» دریافت که رجحان فضیلت بر عدالت و برشمردن محبت به عنوان منبع طبیعی اتحاد و برتری دادن آن بر فضیلت از جمله ابتکارات فلسفی خواجه در دانش اخلاق است که نتایج حاصل با یافته‌های پژوهش حاضر در بعد عاطفی همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مدل مفهومی الگوی تربیتی احسان از دیدگاه خواجه نصیر به در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است.





استنتاج اهداف، مبانی و اصول احسان در روش‌های تعلیم و تربیت از منظر خواجه نصیر الدین طوسی به منظور ... ۸۵ □

## فهرست منابع

- قرآن
- امامی ع. ۱۳۸۹. فرهنگ قرآن: تبیین اصطلاحات قرآن از منظر تفسیر و روایات. جلد ۲، قم: مطبوعات دینی، ۸۶۵ صفحه.
- باقری خ. ۱۳۹۲. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد اول، چاپ سی و یکم، تهران: چاپ خجسته، ۲۷۴ صفحه.
- پورحسن ق. ۱۳۸۵. بررسی تأملات خواجه نصیر الدین طوسی در دانش اخلاق. مجله اندیشه دینی، ۲۰: ۳۳-۴۸.
- حیدری مح، موسوی س. ۱۳۸۹. سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن. مجله مطالعات اسلامی در علوم رفتاری، سال اول، ۲: ۹۹-۱۱۸.
- دشتی م. ۱۳۹۵. ترجمه نهج البلاغه. قم: کوثر، ۷۵۲ صفحه.
- درایتی م. ۱۳۶۶. ترجمه تصنیف غررالحکم و دررالکلم. قم: مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۶۲۶ صفحه.
- ذهنی تهرانی س ج. ۱۳۷۰. انیس الطالبین (ترجمه آداب المتعلمین). قم: حاذق، ۵۶ صفحه.
- راغب اصفهانی ح. ۱۳۶۹. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. مترجم سید غلامرضا خسروی حسینی. جلد ۱، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۷۰۱ صفحه.
- طوسی خ ن. ۱۳۶۰. اخلاق ناصری. تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۶۱۹ صفحه.
- قرشی ع ا. ۱۳۵۳. قاموس قرآن. جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۳۸۲ صفحه.
- قرشی ع ا. ۱۳۹۱. تفسیر احسن الحدیث. جلد ۱، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۵۴۷ صفحه.